

نام کارگروه: کارگروه توسعه ایران

رئیس کارگروه: سعید غلامی نتاج امیری

تاریخ: ۱۳۸۷/۱۲/۱۳

تهیه کننده: رضا معصومی راد

همکاران (اعضای کارگروه): خانم جوانمردی ، آقایان حسن حاج قاسم ، رضا دیو سالار ، سعید غلامی نتاج ، عبدالرحیم کرکه آبادی .

عنوان : ضرورت ، مبانی و روش های تلفیق نظریات

موضوع:

کلیدواژه:

چکیده :

رویکردهای اخیر فلسفی به ما آموخته اند که دیدگاه های ما به شدت متأثر از پیش فهم ها و افق های دید ما می باشد (شلایرماخر ۱۸۳۸، دیلتای ۱۹۳۰، هایدگر ۱۹۲۷ ، گادامر ۱۹۶۰) و ما چاره ای نداریم تا به دیگران گوش سپاریم و با اینکار افق های دیدمان را وسعت بخشیم. (هابرماس ۱۹۸۱) اینکار البته مستلزم گفتگویی سازنده و بین ما و دیگران است ، گفتگویی که در آن نه با کنار گذاشتن پیش انگاره های ما - که اصلاً چنین هدفی مقدور نیست- بلکه به کمک آنها و با آگاهی از تأثیرشان در تفسیر واقعیت به استقبال دیدگاه های دیگر می رویم.

با الهام از این سنت درخشان فلسفی در حوزه عمل در جامعه و در زمینه ایجاد تحول و یا تغییر در آن ما به شدت محتاج آن هستیم تا محتاط و با آگاهی و بینشی وسیعتر و ژرفتر وارد میدان شویم.

با توجه به این ضرورت ها در این بررسی کوتاه سعی گردید تا با نگاهی درجه دوم به ادبیات علمی در حوزه توسعه و توجه به تعاریف واژگان مرتبط با نظریه ، فرانظریه ، مکتب ، پارادایم و گفتمان به طرح زمینه ها و عوامل پیشینی مؤثر بر تفاوت بین نظریه ها پرداخته و روش شناسی تلفیق بین آنها را مورد بررسی قرار دهیم.

متن گزارش:

چرایی تلفیق نظریه ها:

در ابتدا لازم است به چند نکته در ارتباط با چرایی تلفیق نظریه و ضرورت تلفیق نظریه ها اشاره شود.

چرایی تلفیق نظریات را باید در تعدد و تنوع نظریات، چشم اندازها، عقاید و دیدگاه ها در خصوص موضوعات و پدیده ها بویژه در حوزه علوم انسانی و مسائل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جستجو کرد؛ تنوعی که به نظر می رسد موجبات آشنفتگی در تحلیل مسئله و سپس تصمیم گیری برای حل آن را بوجود آورده است. اگر چه نمی توان پایانی را برای عدم اجماع متصور شد اما حوزه عمل و تصمیم نیازمند وفاق است و مستلزم چشم انداز و دیدگاهی است که بتواند نیروهای بیشتری را در تحقق آن بسیج کند. اهمیت این مهم بویژه زمانی دو چندان خواهد شد که هدف اصلی دستیابی به الگویی نظری برای عمل در عرصه ای وسیع مانند جامعه یا جهان باشد و قرار است براساس آن وضعیت موجود به وضعیت مطلوبی هدایت شود.

امروزه تحلیل مسئله و مشکلی واحد که با اغماض می توان آن را ناکارآمدی نظام اجتماعی^۱ گروهی از انسان ها که در درون مرزهای سیاسی کشور ایران تحت عنوان ملت ایران گرد آمده اند، نامید از چنین آشنفتگی در سطح نظر و عمل رنج می برد و به نظر می رسد ما به الگوی تلفیقی نظری و سپس عملی در این خصوص نیازمندیم. به نظر می رسد در راه رسیدن به چنین وفاقی، نیازمند تلفیق نظریات متعدد و متنوع باشیم.

به بیان خلاصه می توان ضرورت تلفیق نظریه ها را از سه منظر مورد توجه قرار داد:

- آشنفتگی در نظریه بردازی و سردرگمی در تبیین واقعیات

- تعدد و تنوع نظریات و عدم حصول توافق بین آنها

- دستیابی به الگویی نظری مورد اجماع برای عمل در عرصه ای وسیع مانند جامعه یا جهان

^۱ مفهوم " ناکارآمدی نظام اجتماعی " ، خود نمونه ای از تلفیق مفهومی است؛ مفهومی که به نظری رسد محل اجماع نگاههای متفاوتی است که هر یک از منطری به توصیف و تبیین توسعه نیافتگی جامعه ایران پرداخته اند و در این مسیر از مفاهیمی چون عقب ماندگی، عقب نگه داشته شده، از خود بیگانگی، اسلام زدائی و... بهره می برند.

با این ضرورت ، لازم است به تعریف نظریه و فرانظریه بپردازیم .

تعریف نظریه :

در تعریف نظریه به مفاهیم متنوع و متعددی برمی خوریم که هر از یک از منطری این مفهوم را مورد توجه قرار داده اند . تعریفی که در زیر می آید ، تعریف نظریه از منظر اینجانب می باشد :

نظریه مجموعه گزاره های منطقی به هم پیوسته و منسجمی را گویند که قادرند تا بخشی از واقعیت امور و پدیده ها را توضیح دهند.

تعریف فرانظریه :

در تعریف فرانظریه می توان به تعاریف زیر اشاره داشت :

فرانظریه (Meta theory): فرانظریه، مطالعه ای نظری در مورد نظریه هاست که با هدف تعیین اصول و قواعد آنها صورت می پذیرد.(ساروخانی، ۱۳۷۰ : ۴۴۵) .

متاتئوری درصدد درک عمیق تر نظریات جهت غنابخشیدن به آنهاست و می کوشد تا چشم اندازی کلی از نظریات ارائه نماید. این امر موجبات ارزیابی و نقد منظم تر نظریات را به منظور خلق دیدگاه های جدید و طرح چشم اندازهای عام فراهم می نماید.

از آنجائی که نظریات بر مبنای معرفت شناختی و فلسفی متفاوتی استوارند ، در نتیجه تبیین های متفاوتی از مسائل ارائه می دهند . در این بین ، فرانظریه تلاشی است برای فراتر رفتن از این تنوع و رسیدن به اجماع. هواداران فرا نظریه معمولاً بر این نکته تاکید دارند که تا مسایل بنیادی تر معرفت شناسی و فلسفی بین انواع نظریه ها حل نگردد نمی توان هیچ نظریه ای را ساخته و پرداخته کرد. لازمه چنین کاری ، شناخت منشاء تفاوت و تنوع نظریات است ؛ تنوعی که علاوه بر مبنای معرفت شناختی و فلسفی ، منشاء های دیگری نیز دارد.

مکتب :

شهید مطهری مکتب را اینگونه تعریف می نماید: «یک تئوری کلی و یک طرح جامع و هماهنگ و منسجم است که هدف اصلی کمال انسان و تأمین سعادت همگانی است و در آن خطوط اصلی و روشها، باید ها و نبایدها، خوبها و بدها، هدفها و وسیله ها، نیازها و دردها و درمانها، مسئولیتها و تکلیفها مشخص است و منبع الهام تکلیفها و مسئولیتها برای همه افراد می باشد» (مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی، ص ۵۴-۴۶).

پارادایم:

پارادایم (paradigm) از جدیدترین مفاهیمی است که وارد حوزه علوم و جامعه شناسی شده است. این مفهوم با نام فیلسوف و مورخ علم، تامس کهن (T. S. Kuhn)، مقارن است و اولین بار توسط وی در کتاب معروف او، ساختار انقلابهای علمی (The structure of scientific Revolutions)، به کار گرفته شده است. هدف کهن در این کتاب، اثبات این نظریه است که علی رغم تصور موجود درباره اینکه پیشرفت علوم از راه تراکم و انباشت (Cumulation) صورت می گیرد، رشد و توسعه علوم از راه انقلاب (Revolution) به وجود می آید و در جریان انقلاب های علمی، پارادایم های جدید جای پارادایم های سابق را می گیرند.

گفتمان :

فوکو تعریفی سه سطحی از گفتمان به دست می دهد و آن را گاه به مثابه ۱. حوزه عام همه گفته ها و نوشته ها، ۲. مجموعه ای از گفته های مشخص و متمایز، و گاه به مثابه ۳. کردارهای منظمی که دلالت بر مجموعه ای از گفته ها می کنند در نظر می گیرد.

تعریف اول به همه کاربردهای واقعی گفتاری و نوشتاری زبان به صورت روزمره اشاره دارد. تعریف دوم به صورتبندیها و یا حوزه هایی خاص مانند گفتمان نژادپرستی، گفتمان فمینیسم، و یا گفتمان سرمایه داری دلالت می کند. و در نهایت، تعریف سوم به ساختارهای سیاسی-اجتماعی ای بازمی گردد که شرایط و قواعد وقوع گفته ها و نوشته ها را تعیین می کنند. در حقیقت، گفتمان آن حوزه عام و کلی ای است که در درون آن زبان به اشکالی خاص نمود پیدا می کند و به کار برده می شود. گفتمان تعیین کننده حوزه ای است که در آن دانش تولید و بازتولید می شود.

هر فرد و هر آنچه که او می گوید و می نویسد تحت نظارت و کنترل حوزه ها و قلمروهای گفتمانی قدرت/دانش است. قدرت/دانش به شکل نظامهای حقیقت بروز و نمود پیدا می کند و نظامهای حقیقت، مجموعه قواعد، گفته ها، و شیوه های فهمی هستند که آنچه درست، حقیقی، و واقعی است را در برهه مشخصی از زمان تعریف و تحدید می کنند. صورتبندیهای گفتمانی مانع از دسترسی افراد به خارج می شوند و فهم فرد را در خود محصور می کنند. بنا بر این، تغییر اجتماعی، سیاسی، یا فرهنگی زمانی امکان پذیر است که کل اجتماع، نه یک یا چند فرد، بتوانند شیوه اندیشیدن، دانستن، صحبت کردن و رفتار کردن شان را تغییر دهند.

منشاء تنوع نظریه ها :

نظریات در موارد زیر با یکدیگر متفاوت می باشند :

–تعریف مسئله ، پیش فرض های هستی شناسانه ، پیش فرض های معرفت شناسانه ، پیش فرض های انسان شناختی، فرضیات ، مفاهیم ، سطوح تحلیل ، روش شناسی های متعدد، تفسیر و نظریه پردازی و تبیین و ارائه راهکار.

هریک از این موارد را می توان با استفاده از مثال های عملی در مورد خاص جامعه ایران ، به شکل زیر توضیح داد :

تنوع مسائل به مثابه علت تنوع نظریه ها :

محققان ، صاحب نظران و حتی مردم عادی مسئله را به گونه های متفاوتی بیان می کنند. به عبارت دیگر مسئله و مشکل را به گونه های مختلفی تعریف می کنند. به عنوان نمونه در مورد اوضاع اجتماعی و سیاسی ایران ، گروهی مسئله را انحراف و دوری از ارزش های دینی و اخلاقی می دانند و با استفاده از مفاهیمی چون سکولاریسم ، لائیسزم ، غرب زدگی ، از خود بیگانگی ، خودباختگی ، برهنگی فرهنگی ، فرهنگ برهنگی و... سعی در توضیح مسئله دارند . گروهی دیگر مسئله را عقب ماندگی و عقب ننگه داشتگی ، استعمار و استثمار، تهاجم فرهنگی ، شبیخون فرهنگی ، ... ارزیابی می کنند. گروهی دیگر خرافه گرایی، تقدیرگرایی، امتناع اندیشه و خردورزی ، تأخر فرهنگی ، دوگانگی ارزشی ، عدم شکل گیری نهادهای مدرن ، عدم شکل گیری دولت ، ملت مدرن و نظام سیاسی

دمکراتیک و ... را مسئله اصلی می دانند. گروهی نیز استبداد ، سلطانیسم، شیوه تولید آسیایی ، مذهب جبرگرا ، ساختار نخبه کش ، نظام ارباب رعیتی ، نظام شاهخدا - رعیتی و ... را مسئله می دانند. در مجموع ، می توان در مسئله شناسی چند پارادایم عمده را از یکدیگر بازشناخت که هر یک از منظری خاص ، مسئله مورد تعریف خود را موردکنکاش قرار می دهند .

تنوع پیش فرض های هستی شناسانه به مثابه علت تنوع نظریه ها :

پیش از آنکه بخواهیم به نقش پیش فرض های هستی شناسانه در تنوع نظریه ها بپردازیم ، لازم است ابتدا تعریفی از هستی شناسی ارائه دهیم .

از دیدگاه فلسفی، هستی شناسی عبارت است از « علم یا مطالعه هستی » ... هستی شناسی به داعیه ها یا مفروضاتی اشاره می کند که درباره واقعیات و پدیده های مورد مطالعه هستند، داعیه هایی درباره این که چه چیزی وجود دارد. چگونه به نظر می رسد، از چه عناصری تشکیل می شود و این عناصر چگونه با یکدیگر تعامل دارند. مفروضات هستی شناسی به چیزهایی مربوط می شود که ما معتقدیم واقعیت ها و پدیده ها از آنها ساخته شده است (بلیکی، ۱۳۸۴ : ۲۱) .

نظریه ها از این حیث با هم متفاوت می باشند. برخی با پذیرش رئالیسم ، هستی واقعی را در بیرون از ذهن انسان می دانند و برخی دیگر ، با پذیرش ایده آلیسم معتقدند که هستی بیرون از ذهن اصالت ندارد بلکه اصالت از آن ذهن ما انسان هاست که تصویری از آن ها ارائه می نماید. ما هیچ گاه اشیاء را آن گونه که واقعاً هستند نمی توانیم بشناسیم . این ذهن ماست که ضروری است ، اولیه است و از پیشی Apriori است. براین اساس می توان دو شق های هستی شناختی زیر را در نظریه ها بازشناخت :

هستی یکسان و قانون بردار / هستی متغیر و سیال و منفرد

هستی خرد / هستی کلان

هستی تعادل و نظم / هستی تضاد و تعارض

هستی ساختارمند / هستی ارادی و اختیاری

هستی بیرونی / هستی درونی .

تنوع پیش فرض های معرفت شناسانه به مثابه علت تنوع نظریه ها :

واژه ایپستمولوژی (معرفت شناسی) مشتق از ایپستمه episteme ، به معنای دانش، و لوگوس Logos به معنای تئوری است؛ لذا معرفت شناسی یعنی تئوری دانش. این واژه در آلمان ابتدا به شکل Erkenntnistheorie ، در سنت کانتی، در سال ۱۷۸۹ معرفی شد. شکل انگلیسی ایپستمولوژی در ۱۸۵۴ ابداع و در دهه ۱۸۶۰ رواج عمومی یافت و واژه رقیب خود gnosiology را کنار زد. معرفت شناسی، در معنای دقیق ، اشاره دارد به شاخه‌ای بنیادی از فلسفه که به بررسی امکان ، منشاء ، ساختار، روش و اعتبار (حقیقت) دانش می‌پردازد.

در معنای فلسفی ، معرفت شناسی عبارت است از « نظریه یا علم یه مبانی کسب معرفت » معرفت شناسی مرکب از اندیشه‌هایی درباره این مسائل است که چه چیزی را می‌توان معرفت محسوب داشت، چه چیزی را می‌توان شناخت و چنین معرفتی باید با چه معیارهایی تطبیق کند تا بتوان آن را معرفت نامید و نه یک عقیده ... معرفت شناسی به داعیه‌ها یا مفروضاتی مربوط می‌شود که درباره راههای ممکن کسب معرفت به واقعیت، صرف نظر از هر معنایی که واقعیت داشته باشد، بحث می‌کند... معرفت شناسی حاوی داعیه‌هایی درباره این امر است که چگونه می‌توان چیزی را که وجود آن پذیرفته شده است، شناسایی کرد. (بلیکی، ۱۳۸۴ : ۲۲).

نظریه ها از این حیث نیز متفاوتند . برخی تجربه را تنها راه کسب معرفت ناب می‌دانند همانند پوزیتیویست ها و برخی همانند هابرماس معتقدند که معرفت ناب، از طریق گفتگو و کنش ارتباطی آزاد و بدون سانسور به کف می‌آید . برخی با در نظر گرفتن تفهم ناب به منزله تنها راه رسیدن به معرفت ناب ، معتقدند که این معرفت از طریق ترکیب روش های تفسیرگرایانه و روش های تجربی حاصل می‌شود . در این مورد می‌توان به الگوی وبری اشاره داشت . برخی دیگر به تبعیت از الگوی هوسرلی ، هایدگری و گادامری ، تفسیر ناب را تنها راه کسب معرفت می‌دانند و در نظر عده ای دیگر ، تعقل ناب برآمده از الگوی کانتی و پوپری تنها راه کسب ناب شناخته می‌شود .

تنوع روش شناسی به مثابه علت تنوع نظریه ها :

در روش شناسی ، روش های کسب شناخت مورد بحث قرار می گیرند .تنوع روش ها نیز خود منشأ تنوع نظریه ها به حساب می آید .روش هایی چون روش مشاهده و آزمایش ، روش تاریخی ، روش مطالعه موردی ، روش تحلیل گفتمان ، روش مطالعه اسنادی و تحلیل محتوا ، روش دیالکتیک و مناظره و گفتگو ، روش تئوری زمینه ای ، روش فراتحلیل ، روش تثلیث و.....

در بیان بسیار خلاصه می توانیم بگوئیم در پرسش های فلسفی سه گانه هستی شناسی ، معرفت شناسی و روش شناسی سروکارمان با سوالات زیر است :

هستی شناسی (Ontology) : چه چیزی را اساساً باید مورد شناسایی قرار دهیم؟ این چیز دارای چه ویژگی هایی است و چه اجزاء و مؤلفه هایی دارد؟

معرفت شناسی (Epistemology) : چگونه می توان شناخت معتبر و متقنی از آن چیز بدست آورد؟ اساساً در مورد آن چیز چه می توانیم بدانیم؟

روش شناسی (Methodology) : چگونه می توانیم به شناخت آن چیز نائل گردیم؟ چه روش هایی برای کسب شناخت درباره ی آن چیز وجود دارد؟

عملیاتی کردن سوالات فوق در حوزه توسعه ما را به سوالات زیر خواهند رساند :

هستی شناسی (Ontology) : توسعه چیست ؟ برای چیست؟ غایت و هدف آن چیست؟ دارای چه اجزاء و مؤلفه هایی است؟

معرفت شناسی (Epistemology) : چه می توانیم درباره ی توسعه بدانیم؟ دانش درباره توسعه دارای چه حدود و ثغوری است؟ شناخت درستی درباره توسعه یک جامعه چگونه حاصل می شود؟

روش شناسی (Methodology) : چگونه می توانیم به مطالعه توسعه بپردازیم ؟ شناخت معتبری از توسعه باید دارای چه ابعاد و ویژگی هایی باشد؟

نسبت بین پرسش های فلسفی و مقوله توسعه و زمینه شکل گیری پیش فرض های متفاوت

مؤلفه	هستی شناسی	معرفت شناسی	روش شناسی	انسان شناختی
فلسفی	چه چیزی را اساساً باید مورد شناسایی قرار دهیم؟ این چیز دارای چه ویژگی هایی است و چه اجزاء و مؤلفه هایی دارد؟	چه می توانیم درباره ی این هستی و چیز بدانیم؟ محدودیت ها و امکانات شناختی ما چه می باشد؟	چگونه می توانیم به این شناخت درباره ی هستی مورد نظر نائل شویم؟	انسان کیست؟ غرض و غایت او چیست؟ دنبال چیست؟ چه توانمندی هایی دارد؟
توسعه	توسعه چیست؟ برای چیست؟ غایت و هدف آن چیست؟ دارای چه اجزاء و مؤلفه هایی است؟	چه می توانیم درباره ی توسعه بدانیم؟ دانش درباره توسعه دارای چه حدود و ثغوری است؟ شناخت درستی درباره توسعه یک جامعه چگونه حاصل می شود؟	چگونه می توانیم به مطالعه توسعه بپردازیم؟ شناخت معتبری از توسعه باید دارای چه ابعاد و ویژگی هایی باشد؟	سعادت انسان در چیست؟ کمال و فضیلت انسان در چیست؟

تنوع فرضیه ها به مثابه علت تنوع نظریه ها :

در بیان بسیار ساده ، فرضیه ، پاسخ موقتی است که محقق به پرسش و مسئله تحقیق خود می دهد. فرضیات از نظریه ها استخراج می شوند. نمی توان انتظار داشت از یک نظریه تضاد ، فرضیه ای دال بر توافق استخراج کرد. با این تعبیر ، می توان بخشی از تنوع نظریات را در تنوع فرضیات استخراج شده از آنها جستجو کرد .

در موضوع توسعه با بی شمار فرضیه مواجهیم ؛ فرضیاتی چون :

۱ - عوامل درونی در یک جامعه نقش اصلی را در توسعه و یا توسعه نیافتگی دارند.

۲- عوامل بیرون از جامعه نقش اصلی را در توسعه و یا توسعه نیافتگی دارند.

۳- عوامل فرهنگی نقش اصلی را در توسعه دارند.

۴- عوامل سیاسی نقش اصلی را دارند.

۵- عوامل طبیعی و موقعیت جغرافیایی و آب و هوایی و شرایط مادی و معیشتی نقش اصلی را در توسعه دارند. و ...

تنوع مفاهیم به مثابه علت تنوع نظریه ها :

یک مفهوم ، انتزاعی است که بخشی از واقعیت را بیان می کند . مفاهیم از اجزاء نظریه هستند . می توان مفاهیم هر نظریه را به شرح زیر دسته بندی کرد :

مفاهیم سطح خرد : با استفاده از این مفاهیم ، تحلیل با تأکید بر فرد - شخص کنشگر و متعلقاتش پیش می رود . از جمله مفاهیم سطح خرد می توان به مفاهیمی چون اراده ، انگیزه ، محرک ، غریزه ، عمل ، باور ، تقدیرگرایی ، قانون گریزی ، تجمل گرایی ، مصرف گرایی و.. اشاره داشت .

مفاهیم سطح میانه : در سطح میانه تحلیل بر مفاهیمی چون گروه ، شبکه ، سازمان ، شبکه ، قومیت ، مذهب ، خانواده ، انجمن ، فساد اداری ، ناهماهنگی بین نهادها و.. تأکید می شود.

مفاهیم سطح کلان : سطح کلان نیز با استفاده از مفاهیم زیر معنا می یابد :

جامعه ، ساختار ، نظام ، توده ، فرهنگ ، حکومت ، اقتصاد ، وابستگی ، عدم وفاق اجتماعی ، GDP و....

مفاهیم سطح کلان	مفاهیم سطح میانه	مفاهیم سطح خرد
جامعه / نظام جهانی	گروه	فرد / شخص / خود / من
ساختار / ساخت	حزب / انجمن	کنشگر / کنش / کارگزار
اجتماع	سازمان	رفتار
توده	شبکه	اراده / انگیزش / محرک /

		غریزه / فطرت
فرهنگ	قومیت	عمل
نظام	مذهب	باور
دولت / حکومت	نهاد	
اقتصاد	خانواده	
وابستگی	فساد اداری	تقدیرگرایی
عدم وفاق اجتماعی	ناهماهنگی بین نهادها	قانون گریزی
GDP	هدر دادن امکانات و سرمایه ها در ادارات و شرکت ها	تجمل گرایی / مصرف گرایی

انواع تلفیق :

تا بدین جا به تنوع نظریات و منشاء این تنوعات اشاره شد. پیشتر نیز گفته شد که برای فراتر رفتن از این تونعات و رسیدن به نظریه ای جامع ، نیازمند تلفیق نظریات هستیم . این کار با استفاده از روش هایی به انجام می رسد. لازم است ذکر شود که با توجه به بدیع بودن بحث تلفیق ، هنوز منبع معتبری که روش های تلفیق را به طور منظم ارائه دهد ، تولید نشده است . دسته بندی زیر نیز برگرفته از روش هایی است که نظریه پردازان جامعه شناسی ، با استفاده از این روش ها به تلفیق تئوری های جامعه شناختی دست زده اند. در واقع می خواهیم با بررسی چگونگی تلفیق دیگران ، به روش های تلفیق نظریات دست یابیم . در زیر سعی می شود هر یک از این روش ها با ارائه چند نمونه و مثال تشریح شود .

تلفیق پارادایمی :

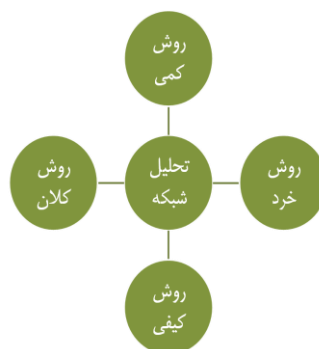
در این روش تلفیق ، سعی می شود به تلفیقی از پارادایم های موجود دست یافت . واضح است لازمه این کار، تشخیص پارادایم های موجود است. به عنوان مثال ، می توان به کار تلفیقی دارندروف اشاره داشت که سعی در

تلفیق پارادایم مارکسیستی و پارادایم پارسونزی داشته است. همچنین تئوری برد متوسط رابرت مرتن، نمونه ای از تلفیق پارادایم کلان نگر و پارادایم خردنگر است.

همان طور که می دانیم پارادایم (paradigm) از جدیدترین مفاهیمی است که وارد حوزه علوم و جامعه شناسی شده است. این مفهوم با نام فیلسوف و مورخ علم، تامس کهن (T. s. Kuhn)، مقارن است و اولین بار توسط وی در کتاب معروف او، ساختار انقلابهای علمی (The structure of scientific Revolutions)، به کار گرفته شده است. هدف کهن در این کتاب، اثبات این نظریه است که علی رغم تصور موجود درباره اینکه پیشرفت علوم از راه تراکم و انباشت (Cumulation) صورت می گیرد، رشد و توسعه علوم از راه انقلاب (Revolution) به وجود می آید و در جریان انقلاب های علمی، پارادایم های جدید جای پارادایم های سابق را می گیرند.

تلفیق روش شناختی :

هر نظریه، با استفاده از روشی تدوین شده است. در این روش تلفیق، سعی می شود با تلفیقی از روش ها (روش هایی که پیشتر بدان ها اشاره شد)، به نظریه ای تلفیقی دست یافت. به عنوان مثال، روش تحلیل شبکه، تلفیقی از روش های کمی و کیفی، روش های خرد و کلان می باشد.



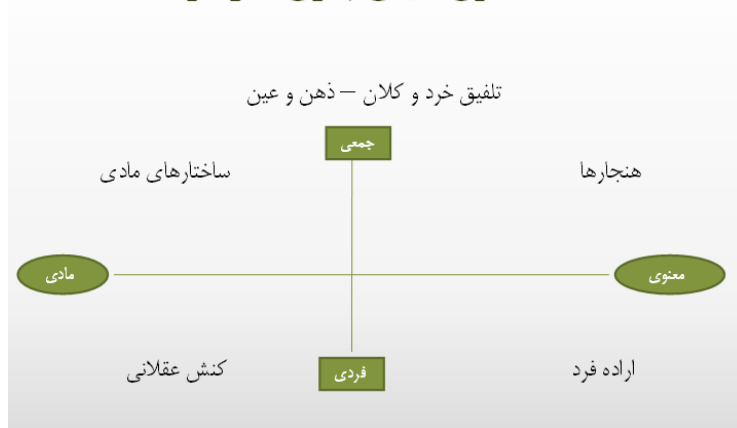
در شکل زیر الگوی تلفیقی جمیز کلان نشان داده شده است. او از این طریق در صدد تلفیق سطح خرد و سطح کلان بوده است.

سطح کلان



سطح خرد

الگوی تلفیقی جغری الکزندر



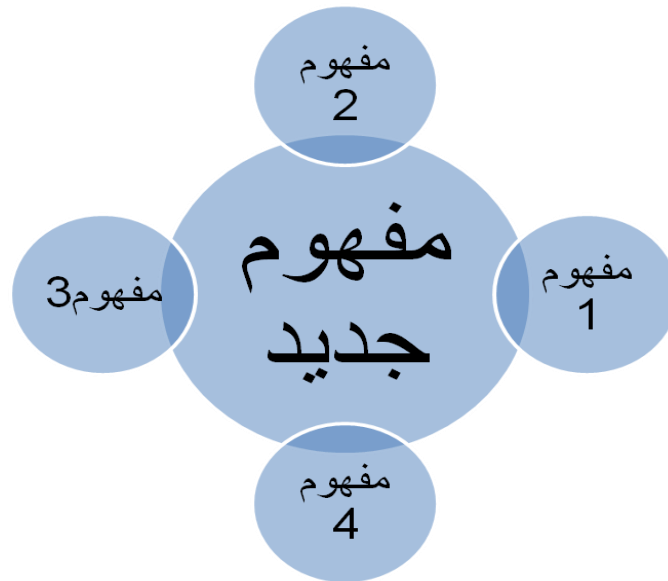
تلفیق مفهومی :

در این روش تلفیق ، سعی می شود به تلفیقی از چند مفهوم دست یافت . در این مورد می توان به نمونه های زیر

اشاره داشت :

مفهوم ساخت یابی گیدنز که حاصل تلفیق دو مفهوم عاملیت و ساختار است ؛ مفهوم زیست جهان هابرماس که حاصل تلفیق مفاهیم نظام اجتماعی و نظام فرهنگی است ؛ مفهوم سیستم نیز مفهوم دیگری از هابرماس است که به عنوان مثال ، مفهوم مدرنیته ایرانی ، مفهومی تلفیقی است که از تلفیق مفاهیمی چون ماندگی ، وابستگی ، در حال توسعه و بازگشت به خویشتن به کف آمده است .

شکل زیر می تواند گویای این نوع از تلفیق باشد :



متائوری :

۱- مفروضات اصلی

نسبت به انسان

نسبت به هستی

نسبت به آینده

۲- تلفیق مسئله و موضوع

۳- تلفیق مفروضات

۴- تلفیق محتوای نظریات

۵- تلفیق معرفت شناختی

۶- تلفیق روش شناختی

۷- تلفیق سطوح تحلیل

روش های تلفیق :

تلفیق نظریات را می توان با استفاده از روش های زیر نیز به انجام رساند :

- تلفیق بر اساس اشتراک

- تلفیق بر اساس اجتماع

- تلفیق بر اساس اجماع و اقناع

- تلفیق درون روشی (درون پارادایمی)

- تلفیق بین پارادایمی

- تلفیق بر اساس روش دیالکتیک

- تلفیق از طریق تثلیث

ماتئوری ما باید دارای چه ویژگی هایی باشد؟

حاصل جمع و مخرج مشترک نظریه ها و پارادایم های دیگر باشد و بر فراز آنها قرار گیرد.

۱. بیانگر موضع ما نسبت به آینده باشد.

ما چگونه آینده ای را طالبیم ؟ اتوپیای ما چیست؟ کعبه آمال ما کجاست؟ آیا صدر اسلام است ؟ آیا اسلام نابی است که با دستان ولی عصر پیاده خواهد شد؟ آیا ساختن جامعه ای آباد و توسعه یافته و مرفه است مانند جوامع غربی البته منهای مشکلاتی که آنها دارند؟ آیا جامعه ای است که افراد در آزادی کامل اندیشه و عقیده و فکر و نظر و عمل و رفتار زیست کنند؟ و عقیده و فکر همه محترم باشد؟

۲. - بیانگر بنیان های اندیشه و تفکر ما راجع به انسان، جامعه، توسعه، پیشرفت؛ سعادت و ... باشد.

۳. - بیانگر دیدگاه ما در خصوص مسائل و مشکلات ما باشد؟

۴. - بیانگر تفسیر و نظریه ما درباره ی علت ها و عوامل مشکلات ما باشد؟

۵. - بیانگر عزم و تصمیم اصلی و خواست و اراده ما باشد.
۶. - بیانگر نوع دیدگاه فلسفی انسان شناختی ، هستی شناختی ، معرفت شناختی و روش شناختی ما باشد.
۷. - حاصل جمع و مخرج مشترک نظریه ها و پارادایم های دیگر باشد و بر فراز آنها قرار گیرد.

منابع:

۱. آزاد ارمکی، تقی، نظریه در جامعه شناسی، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵
۲. آزاد ارمکی، تقی، درآمدی بر نظریه سازی در جامعه شناسی، انتشارات کلمه، ۱۳۷۹
۳. آزاد ارمکی، تقی، مدرنیته ایرانی، روشنفکران و پارادایم فکری عقب ماندگی در ایران، دفتر مطالعاتی - انتشاراتی اجتماع، ۱۳۸۰
۴. برایان فی، پارادایم شناسی علوم انسانی، ترجمه مرتضی مردیها، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۳
۵. ریتزر، جرج، نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، ۱۳۷۴
۶. ریتزر، جرج، بنیان های نظریه جامعه شناختی، ترجمه دکتر تقی آزاد ارمکی، نشر سیمرغ، ۱۳۷۴
۷. کوزر، لوئیس، و ...، نظریه های بنیادی جامعه شناسی، ترجمه فرهنگ ارشاد، نشر نی، ۱۳۷۸
۸. کیا، علی اصغر، تغییرات اجتماعی، انتشارات آن، ۱۳۸۱
۹. گیدنز، آنتونی، پیامدهای مدرنیته، ترجمه محسن ثلاثی، نظر مرکز، چاپ دوم ۱۳۸۰
۱۰. محمدی اصل، عباس، جامعه شناسی بنیادین، متاتئوری، انتشارات روشنگران، ۱۳۸۲